

مطالعه بازانديشی اجتماعی در میان جوانان شهر یزد

حسین افراسیابی، استادیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد*

یاسین خرم‌پور، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

بازاندیشی در مورد خویشتن و عرصه‌های مختلف زندگی و گزینش از بین بدیل‌های مختلف، از فرصت‌هایی است که جوامع جدید در اختیار قرار داده است. این مقاله به بررسی بازانديشی و عوامل مرتبط در میان جوانان شهر یزد پرداخته است. این پژوهش با روش پیمایش و استفاده از پرسشنامه، 384 نفر از جوانان شهر یزد را به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بین زنان و مردان از نظر میزان بازانديشی تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین میزان تحصیلات و میزان درآمد با بازانديشی رابطه معنی‌داری مشاهده شد. همچنین بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، دینداری و جهان‌گرایی فرهنگی با بازانديشی رابطه معنی‌دار وجود دارد، هر چند رابطه بین دینداری و بازانديشی رابطه معنی‌دار و معکوس است. براساس نتایج رگرسیون چندمتغیره، جهان‌گرایی فرهنگی و دینداری مهم‌ترین متغیرهای تبیین‌کننده بازانديشی در میان افراد مورد مطالعه است.

کلید واژه‌ها: بازانديشی، جهان‌گرایی فرهنگی، دینداری، وسایل ارتباط جمعی، جوانان.

Email:

* نویسنده مسؤول: 09173050795

hafraziabi@yazd.ac.ir

مقدمه

فرآیند جهانی شدن از طریق فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، دگرگونی‌های عمیقی را در زندگی بشر به وجود آورده است. امروزه کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که از پیامدهای این فرآیندها بی‌نصیب مانده باشد. تحولات ایجاد شده، نه تنها زندگی مادی، بلکه ابعاد غیرمادی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. فاصله گرفتن انسان‌ها از منابع هویت‌ساز سنتی و روی آوردن به شیوه‌های جدید زندگی و تفکر، از جمله عواملی است که انسان‌ها را در تعریف کیستی خود، دچار شک و تردید می‌کند (عدلی‌پور و همکاران، 1392: 102). آنتونی گیدنز در بررسی تحولات سه قرن اخیر بعد از صنعتی شدن، به توصیف و تبیین تحولات دنیای مدرن و مدرنیته می‌پردازد و چند دهه اخیر را به دلیل گسترش روزافزون نظام‌های تخصصی، مدرنیته متأخر نام می‌نهد. از نگاه او مدرنیته و دگرگونی‌های جهانی فقط مربوط به تغییرات بزرگ در نهادهای بزرگ نیست، بلکه این تغییرات، عواطف و زندگی خصوصی افراد را نیز در بر می‌گیرد (جلابی‌پور و گرامیان‌نیک، 1390: 20). برگر و گیدنز از جمله متفکرینی می‌باشند که به نقش بازانندی و تأمل و معرفت در زندگی مدرن پرداختند. گیدنز مشخصه کلیدی جوامع جدید را بازانندی می‌داند. در جوامع پیشامدرن غالباً سنت رفتار روزمره را هدایت می‌کرد. یعنی، مرجعیت اعمال پیشین تعیین‌کننده رفتار بود. در حالی که در جوامع مدرن اعمال اجتماعی پیوسته در پرتو اطلاعات جدید مورد بازبینی قرار می‌گیرد (سیدمن، 1391: 193). فرد در جهان کنونی، به کمک تکنیک‌های گوناگون، فرصت‌های متنوعی برای توسعه شخصیت خود فراهم می‌کند (گیدنز، 1377). در چنین شرایطی است که خود به پروژه‌های بازاندیشانه تبدیل می‌شود؛ پروژه‌ای که از آن طریق، خود در سطح فرد، بازاندیشانه و تغییردهنده می‌شود (گیدنز، 1378). برگر نیز معتقد است جامعه در حال تغییر و تحول، فرد را ناگزیر از بازاندیشی و اتخاذ تصمیم‌های متنوع می‌سازد. بازاندیشی نه تنها معطوف به جهان بیرونی

است، بلکه وارد ذهنیت فرد می‌شود و طی فرآیند بازاندیشی، جهان و خود فرد به موضوع آگاهی تبدیل می‌شوند (برگر و دیگران، 1381). به باور لانگمن بازاندیشی مردم را قادر می‌سازد تا به‌طور انفرادی یا به‌طور جمعی هویت‌های خود را تدقیق بکنند (لانگمن¹، 2003). به بیان دیگر، مردمانی که در مکان‌های مختلف به سر می‌برند، به‌طور روزافزون نسبت به ارزش‌ها و امکاناتی که منشأ تنش در اجتماع آنهاست، حساسیت نشان می‌دهند. جوانان بیشتر از دیگران در معرض جهانی شدن و مدرنیته قرار دارند. آنها در فضای مجازی و ابرمتن اینترنت و همچنین وسایل ارتباط جمعی در حرکت‌اند. کسب اطلاعات از این فضاها به نوعی بازاندیشی در مورد خود، شیوه زندگی و تفکر آنها منجر می‌شود.

لش و یوری بازاندیشی را به توانایی افراد برای تأمل انتقادی بر روی این تغییرات و شرایط موجود و همچنین امکان تغییردادن آنها تعریف می‌کنند (لش و یوری²، 1994: 32). از نظر استوارت هال نیز سوژه پست‌مدرن هیچ هویت ثابت، ذاتی یا ماندگاری نداشته، هویت او بسیار سیال و نامتمرکز بوده و در ارتباط با ساختارها و نظام‌های فرهنگی پیرامون، دائماً تغییر شکل می‌دهد. وی معتقد است، درون هر فرد پست‌مدرن هویت‌های متناقضی وجود دارد که در جهات متفاوتی امتداد یافته و از سوژه پست‌مدرن، سوژه‌ای با هویت‌های ممکن و موقتی بی‌شمار ساخته‌اند. سوژه‌ای که فقط به خاطر وجود روایتی خودساخته از خود تا حدی احساس یکپارچگی هویتی می‌کند (هال³، 1966). این هویت سیال ناشی از تعدد گفتمان‌ها و تکثر معرفت‌های آگاهی و شناختی در دوران جدید می‌باشد، که افراد با منابع متفاوتی برای تعریف خود مواجه هستند.

فرآیند بازاندیشی در سطح نهادی و بین فردی تنها مشخصه جوامع جدید نیست، بلکه تعامل یا بازخورد پیوسته میان این دو سطح نیز از جمله این مشخصات است. دانش

¹ Longman² Lash & Urry³ Hall

دست یافتند که بین جهانی شدن، استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و تحصیلات با بازانديشی در تعاملات جنسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد، همچنین نتایج آنها نشان داد که بین درآمد خانواده و شغل پدر با بازانديشی در تعاملات جنسی رابطه معنی داری وجود ندارد. عدلی پور و همکاران (1392) در تحقیق خود با عنوان شبکه اجتماعی فیس‌بوک و شکل‌گیری هویت بازانديشانه به این نتیجه دست یافت که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت، و فعالیت، نوع استفاده و نوع امکانات و قابلیت‌های شبکه اجتماعی فیس‌بوک رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین رابطه بین جنسیت و بازانديشی تأیید شد و نتایج نشان داد که زنان بیشتر از مردان در هویت خود بازانديشی می‌کنند. بوستانی (1390) در تحقیق خود با عنوان جوانان و هویت بازانديشانه مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان به این نتایج دست یافتند: بین استفاده از وسایل اطلاعاتی و ارتباطی، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر، جنسیت پاسخگو، محل تولد، هویت مذهبی، استفاده از آنتن ماهواره و منابع اطلاعاتی با متغیر وابسته یعنی (هویت بازانديشانه) رابطه مثبت وجود داشت. به استثنای متغیر هویت مذهبی و یکی از زیر مجموعه‌های منابع اطلاعاتی؛ یعنی منابع مطالعاتی مذهبی، که این دو متغیر در برابر رشد هویت بازانديشانه مانع عمده و جدی محسوب می‌شوند. همچنین متغیرهای مقطع تحصیلی، پایگاه شغلی پدر، وضعیت اشتغال مادر و درآمد ماهیانه با هویت بازانديشانه رابطه‌ای برقرار نکردند. دادگران و همکاران (1390) در مطالعه‌ای که بین دانشجویان دختر دانشگاه آزاد تهران انجام داده‌اند به این نتایج دست یافتند که بین استفاده از اینترنت و هویت بازانديشانه رابطه معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که هر چقدر میزان استفاده از اینترنت بیشتر باشد، میزان رشد هویت بازانديشانه نیز افزایش پیدا می‌کند. یافته‌های تحقیق رجبلو و اصغری (1389) نشان می‌دهد که فرضیه کلی پژوهش وجود رابطه معنادار میان جهانی شدن و بازانديشی تعاملات جوانان دانشجوی ایرانی است، که برای

تخصصی که توسط نهادها ایجاد می‌شود، نه تنها در اعمال نهادی بلکه در رفتارهای فردی نیز به کار گرفته می‌شود. برای مثال، نهادهای همچون دانشگاه، خدمات اجتماعی و روانپزشکی دانش‌هایی درباره زندگی صمیمی به وجود می‌آورند (سیدمن، 1391: 193). انتخاب و بازانديشی در سبک‌های مختلف زندگی و ارتباطات اجتماعی، آن‌چنان‌که افراد یا گروه‌ها می‌خواهند، سبب گردیده تا پدیده‌هایی که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکاری نداشتند، امروزه به مسأله‌ای اجتماعی تبدیل شوند (خواججه‌نوری و دل‌آور، 1391: 42). از این‌رو، در عصر حاضر، و بیش از هر عصری دیگر، انسان‌ها با منابع هویتی بی‌شماری مواجه‌اند که به دگرگونی در ابعاد هویت سنتی، پیدایش هویت‌های فرهنگی چندگانه، دگرگونی سامانه‌های ارزشی، تغییر شیوه مصرف و سبک زندگی و نوع ارتباطات و تعاملات افراد، منجر شده است (ادیبی و دیگران، 1387: 100).

بنابراین نوگرایی و جهانی شدن، با ایجاد فرصت‌های ارتباطی وسیع (از طریق رسانه‌های مختلف) بین فرهنگ‌ها، موجب تعاملات وسیع اجتماعی و فرهنگی بین جوامع شده‌اند. این امر سبب گردیده تا مردم جوامع مختلف، از نوع زندگی اعضای جوامع دیگر آگاهی یافته، و از رفتار و اندیشه‌های آنها، ایده‌های جدید دریافت نموده و زندگی خود را با آنها مقایسه کنند. همین مسأله موجب گردیده که اعضای یک جامعه، الگوهای رفتاری متعددی را مشاهده کرده و از این میان، یکی یا ترکیبی از آنها را که در برخی موارد متناقض نیز می‌نمایند، انتخاب کنند. به بیان جامعه‌شناسانه امروزه، گروه‌های مختلف مردم می‌توانند شیوه زندگی خود را تا حدودی آن‌چنان‌که می‌خواهند، برگزینند. لذا در این تحقیق درصد هستیم تا وضعیت و عوامل مرتبط در بازانديشی اجتماعی جوانان شهر یزد را مورد بررسی قرار دهیم.

تحقیقات پیشین

فرهمند و همکاران (1393) در تحقیق خود به این نتایج

خود با عنوان بازانندیشی و تحول هویت جنسی در بین زنان سنگاپوری به این نتایج دست یافتند که، زنان مورد مطالعه درصدد هستند تا باتوجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی سنگاپور، یعنی پدرسالاری، اقتدارگرایی و تأثیرات جهانی را با توجه به موقعیت خود بپذیرند. بازنشاسی نیازهای متضاد دسته اول و توسل به امیال دسته دوم برای زنان، به عنوان ابزارهای حل مسأله، راهبردی را فراهم می‌سازد که هم بازانندیشانه است و هم پتانسیلی برای تحول هویت خلق می‌کند. کلی³ (2007) در تحقیق خود که بین دانش‌آموزان انجام داد به این نتیجه دست یافت که استفاده از فیس بوک و شبکه‌های مجازی باعث می‌شود که فرد هویت خود را بر اساس اطلاعاتی که از آنها می‌گیرد مورد بازبینی قرار بدهد. یافته‌های تحقیق کیم⁴ (2003) که در بین دانشجویان و دانش‌آموزان انجام شد، نشان می‌دهد که دو گروه به طور بازانندیشانه‌ای، هویت خود را جستجو می‌کنند و خود را فعال فضای آموزشی و آزاد انسانی، توصیف و ارزیابی می‌کنند. بنابراین با توجه به تحقیقات پیشین می‌توان بیان کرد که هویت‌های افراد در دنیای جدید دائماً مورد بازانندیشی و واکاوی قرار می‌گیرد. در دنیای سنتی با توجه به اینکه معیار افراد برای تعریف خود سنت و دین می‌باشد، لذا در این دوران هویت و تعریف فرد از خود تا حدی ایستا بوده است، ولی در دوران مدرن این تعریف از فرد دچار دگرگونی و تحول شده است و کنش‌گران اجتماعی به طور دائم با توجه به اطلاعاتی که از دنیای اطراف می‌گیرند، خود را در معرض بازانندیشی قرار می‌دهند.

چارچوب نظری

به طور کلی، مفهوم بازانندیشی⁵ یکی از مفاهیمی است که رویکردهای مختلفی به آن نظر داشته‌اند. در رویکرد کارکردگرایی، لومن⁶ (1995) بازانندیشی را خصلت ارتباطات انسانی می‌داند و معتقد است این بازانندیشی به خود

پذیرش آن، چهار فرضیه فرعی فردی شدن تعاملات جنسی، پذیرش الگوهای تازه، سطح روابط جنسی و داشتن تجربه‌های گوناگون دوستی با جنس مخالف مورد آزمون قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش بر پایه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد میان جهانی‌شدن (عمدتاً رسانه‌های نمایشی) و تعاملات جنسی دانشجویان رابطه وجود دارد. اعظم آزاده و توکلی (1386) درصدد مطالعه چگونگی وضعیت ارزش‌های فردگرایانه- جمع‌گرایانه در بین گروهی از دانشجویان و رابطه آن با گرایش‌های دینی و اشکال بازانندیشی آن برآمده‌اند. رابطه بین شاخص‌ها نشان داد که جمع‌گرایی با همه ابعاد دینداری ارتباط مثبت و معنادار دارد، اما مستقل از بازانندیشی در دین عمل می‌کند. در مقابل، فردگرایی با بعد تجربی دینداری و شاخص‌های بازانندیشی در دین روابط قوی‌تری نشان می‌دهد. یافته‌های تحقیق ذکایی و خطیبی (1385) نشان داد که حضور مستمر و فعال در فضای مجازی و استفاده مداوم از امکانات متعدد و منحصر بفرود اینترنت به خصوص تعامل و تبادل اطلاعات با سایر کاربران متعدد و متفاوت، باعث شکل‌گیری و تقویت هویت مدرن و بازانندیشانه در بین کاربران ایرانی خصوصاً کاربران جوان با مصرف حرفه‌ای می‌شود. شالچی (1384) در پژوهشی به بررسی هویت بازانندیشانه و ارتباط آن با رسانه‌ها پرداخته است. نتایج نشان داد هر چه میزان استفاده از رسانه‌ها نزد پاسخگویان بیشتر بوده است، تطابق بیشتری با هویت بازانندیشانه داشته‌اند. همچنین هویت بازانندیشانه با برخی از عوامل پایگاه اجتماعی، مانند پیشینه تحصیلات خانوادگی و منطقه محل سکونت نیز ارتباط مستقیم داشته است.

گراسموک¹ (2009) در تحقیق خود به این نتایج دست یافت که کنشگرانی که حضوری فعال در شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک) دارند، از فیس بوک به عنوان یک نوع زیست‌جهان که از آن آگاهی و شناخت کسب می‌کنند و هویت خود را بر اساس آن شکل می‌دهند. بروکس و وی² (2008) در تحقیق

³ Kelly

⁴ Kim

⁵ Reflexivity

⁶ Tuhmann

¹ Grasmuck

² Brooks & Wee

عینی وسیع برای تغییرات هویتی بعدی در زندگی فردی، آگاهی ذهنی و حتی آمادگی برای پذیرش چنین تغییراتی نیز وجود دارد. 2- تفکیک‌شدگی، در توضیح این مشخصه برگرد این گونه می‌گوید چندگانگی جهان‌های اجتماعی در جامعه مدرن موجب می‌شود تا ساختار هر جهان خاص به شکلی نسبتاً ناپایدار و نامطمئن تجربه شود. در اکثر جوامع پیشامدرن، فرد در جهانی بسیار منسجم به سر می‌برد. برعکس فرد مدرن، با توجه به تجربه خود از کثرت جهان‌های اجتماعی، به نسبی‌سازی هر یک از آنها می‌پردازد. در نتیجه، نظم نهادی تا حدی واقعیت خود را از دست می‌دهد و تأکید واقعیت از نظم عینی نهادها، به قلمرو ذهنیت فرد جابه‌جا می‌شود (برگر و دیگران، 1381: 86). 3- اندیشیده بودن یا بازانديشانه بودن هویت مدرن است. برگرد در توضیح این ویژگی اعتقاد دارد کسی که در جهان اجتماعی منسجم و دست‌نخورده زندگی می‌کند، این کار (اندیشیدن در باب هویت خود) برایش با حداقل تأمل میسر است. در چنین حالتی، پیش‌انگاشته‌های اساسی جهان اجتماعی بدیهی تصویر می‌شوند و به هر حال امکان دارد که به همین‌گونه در زندگی‌نامه افراد، متعارف باقی بمانند. 4- آخرین ویژگی هویت مدرن از نظر برگرد فردیت‌یافتگی می‌باشد. در جوامع مدرن فردی که حامل هویت به صورت موجودیت حقیقی خویش است، به‌طوری کاملاً منطقی جایگاه بسیار مهم خویش را در سلسله‌مراتب ارزش‌ها احراز می‌کند. از نظر برگرد، زندگی در جوامع امروزی، فرد را با چشم‌اندازی پیوسته در حال تغییر از تجارب و معانی اجتماعی رو در رو قرار می‌دهد و او را به تصمیم‌گیری‌ها و طرح برنامه‌های متنوع و اندیشیدن وا می‌دارد. بدین ترتیب، آگاهی مدرن به خصوص آگاهی‌های هوشیار، پرتنش و احتجاج‌آمیز است. گفتنی است که جنبه اندیشیده (بازانديشانه) هویت مدرن، فقط به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه ذهنیت فرد به ویژه موقعیت وجودی او را نیز دربر می‌گیرد (برگر و دیگران: 1381). برگرد همچنین به مفهوم جهان‌زیست اشاره می‌کند که در جوامع

مفهوم‌سازی منجر می‌شود. بازانديشی به مثابه سازکاری عمل می‌کند که به تسهیل سازگاری سیستم با محیط منجر می‌شود. این امر در نتیجه تنظیم پاسخ‌ها و کاهش پیچیدگی صورت می‌گیرد. در واقع بازانديشی به کنشگران این توانایی را می‌دهد که در مورد بدیل‌های جدید کنش تأمل کنند. مفهوم بازانديشی در دیدگاه روش‌شناسی مردمی نیز جایگاه خاصی دارد. بخش زیادی از پژوهش‌های این رویکرد، به این سؤال می‌پردازد که چگونه تعامل بازانديشانه اتفاق می‌افتد. تعامل غالباً دربردارنده بینش خاصی از واقعیت است (به نقل ترنر، 2003).

به‌طور کلی، بازانديشی گسترده، ناشی از تعامل پویای شماری از تحولات اجتماعی است که از خصیصه مدرنیته متأخر محسوب می‌شود. تغییرات گسترده در ساختار فناوری‌های ارتباطی، به‌طور روزافزونی انسان‌ها را در رودرروی یکدیگر قرار می‌دهد؛ مناسب فردی و فرهنگی جا افتاده را چنان دچار نسبییت می‌کند که دیگر به راحتی نمی‌توان شیوه‌های انجام امور را بدیهی انگاشت. افزایش جریان‌های جهانی تصویریها، ایده‌ها و فرهنگ توده‌ای مصرف که با تغییرات ارتباطی همراه می‌شوند، وضعیت را تشدید می‌کنند. قدرت اتصال‌دهنده سنت و ساختارهای اجتماعی فروکش کرده است و به قول بک، این خود فقدان ساختارهای اجتماعی است که به خصیصه ساختار اجتماعی تبدیل شده و به شکل جامعه فراستی و فردیت‌بخش درآمده است (آدامز، 2006).

سازه‌گرایان نیز به بازانديشی توجه خاصی دارند؛ برگرد، چهار خصلت هویت مدرن را بدین‌گونه برشمرد: 1- بازبودگی، در توضیح این مفهوم باید گفت: بی‌تردید ویژگی‌های در فرد وجود دارد که در اثر فرآیند اجتماعی شدن اولیه، کم و بیش برای همیشه تثبیت می‌شوند اما فرد مدرن حتی با ورود به مرحله زندگی بزرگسالی همچنان مشخصاً فردی ناتمام باقی به نظر می‌رسد که، افزون بر وجود استعداد

¹ Turner

² Adams

همچنین بر این امر تأکید می‌کند که تحولات اجتماعی و اقتصادی اخیر، خود مستقل و خودمختار را به گونه‌ای ساخته است که به‌طور روزافزونی از ساختارهای فرهنگی و مادی مستقل می‌شود. در واقع جامعه مخاطره‌آمیز¹، بستر چنین تحولاتی است (بک، 1999).

گیدنز معتقد است که بازاندیشی در زندگی اجتماعی دربرگیرنده این واقعیت است که کارکردهای افراد پیوسته بازسجی می‌شوند؛ یعنی با اصلاح به وسیله داده‌های تازه، ویژگی‌های آن به‌گونه اساسی دگرگون می‌شود. گیدنز بر این باور است که در جامعه مدرن، انسان‌ها با آفرینش و اصلاح هویت خود، چه‌بودن و چگونه این‌شدن خود را پیوسته بازنگری می‌کنند. همه صورت‌های زندگی، کم و بیش، با دانشی که کنش‌گران از این صورت‌ها دارند، ساخته می‌شود و از دید گیدنز، بازاندیشی مدرنیت با تولید پیوسته خودشناسی پی‌درپی ارتباطی مستقیم دارد (گیدنز، 1387). از نظر گیدنز ویژگی مدرنیت نه‌اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه‌چیز است که البته خود بازاندیشی را نیز دربر می‌گیرد. این بازاندیشی تحت تأثیر چهار عامل قرار می‌گیرد: نخست، قدرت است؛ قدرت، محقق دانش را در خدمت منافع گروهی قرار می‌دهد؛ دوم، به نقش ارزش‌ها باز می‌گردد؛ ارزش‌ها مبنای عقلانی ندارند و هر تغییری مبتنی بر بازاندیشی، تحت تأثیر ارزش‌ها نیز قرار می‌گیرد؛ سوم، پیامدهای ناخواسته است؛ بازاندیشی جهان مدرن، امکان مسدود شدن پیامدهای ناخواسته را از بین برده و هر زمان احتمال وقوع آنها وجود دارد؛ چهارم، گردش دانش اجتماعی است؛ دانشی که به گونه‌ای بازاندیشانه در شرایط بازتولید نظام به کار بسته می‌شود (گیدنز، 1380: 44-45). گیدنز معتقد است که در جوامع معاصر تکثرگرا، متنوع و در حال تغییر، جایی که همه چیز مورد مذاقه قرار می‌گیرد، خود به پروژه‌ای بازاندیشانه تبدیل می‌شود، وی همچنین به خودسازنده اولویت زیادی می‌دهد؛ پروژه‌ای که از آن طریق، خود در

پیشین از درجه بالایی از یکپارچگی برخوردار بود. دلیل این یکپارچگی نیز نظامی معنایی بود که تمامی بخش‌های جامعه را در بر می‌گرفت و این نظم وحدت‌بخش، در جوامع پیشین به‌طور معمول نظامی دینی بود. در جوامع مدرن، موقعیت افراد متفاوت می‌شود و فعالیت‌های افراد، آنها را با جهان‌هایی معنایی و تجربی به‌طور کامل متفاوت و اغلب ناسازگار، مرتبط می‌کند که این چندگانگی جهان زیست، نه فقط در سطح رفتار، بلکه در سطح آگاهی نیز تأثیرات خاص خود را دارد. برگر این چندگانگی را مرتبط با دو تجربه خاص، یعنی شهرنشینی و ارتباط جمعی مدرن می‌داند. این چندگانگی به شیوه‌های مختلف در زندگی روزمره افراد بروز می‌کند و از پیامدهای آن، مسیرهای مختلفی است که فرد باید از آن میان یکی را برگزیند. در واقع، برنامه زندگی فرد در جامعه جدید، به شدت تحت تأثیر این چندگانگی‌ها قرار می‌گیرد. برگر، برنامه زندگی را منبع اولیه هویت‌یابی فردی می‌داند. این برنامه به‌طور معمول خصلتی باز دارد و به شیوه‌های نامعین تعریف می‌شود (برگر و دیگران: 1381: 70-81).

الریش بک فرآیند بازاندیشی را با مفهوم فردی‌شدن نشان می‌دهد. فردی‌شدن در نظریه بک درباره مدرنیت متأخر نقش اساسی دارد. فردی‌شدن به یگانگی یا تنهایی دلالت نمی‌کند، بلکه به معنای این الزام در مدرنیت متأخر است، که افراد در غیاب یقین‌ها و هنجارهای الزام‌آور و ظهور شیوه‌های جدید زندگی، که به‌طور مداوم در معرض تغییر است، باید خود زندگی‌نامه خود را خلق کند (لاپتن، 1380: 303). بک تحولات اجتماعی را به سه دوره تقسیم‌بندی می‌کند: اول دوره ماقبل مدرن، سپس دوره مدرنیت ساده و نهایتاً مدرنیت بازاندیشانه. مدرنیت ساده با جامعه صنعتی و مدرنیت بازاندیشانه با جامعه مخاطره‌آمیز هم‌خوانی دارد. بک معتقد است در دوران جدید، افراد، فارغ از ساختارها، به‌طور بازاندیشانه‌ای بیوگرافی و هویت خود را می‌سازند. وی به فرآیند هویت‌سازی و روند فردی‌شدن جایگاه اجتماعی افراد در جامعه مدرن اشاره می‌کند و معتقد است که طبقات و اقشار اجتماعی در این جوامع، دیگر معیار تعیین‌کننده جایگاه افراد نیستند. بک

¹ Risk Society

² Beck

با پديد جديدی روبه‌رو هستيم که از آن تحت عنوان هويت‌های فرهنگی چندگانه (هونگلادارم²، 2002) ياد می‌شود. با جهانی شدن فرهنگی ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای پايدار متعلق به یک یا چند فرهنگ رفته‌رفته به صورت شبکه واحدی از روابط اجتماعی در می‌آيد، و در نتیجه، روابط اجتماعی که در گذشته به زمان و مکان خاصی مربوط می‌شد، با گذشتن از مرزها و محدودیت‌ها، ابعاد تازه‌تری پيدا می‌کند. فرهنگ جهانی که در این فضا متبلور می‌شود، فرهنگی متمایز از فرهنگ‌های خاص است که به هويت تاریخی تعلق ندارد و فرهنگی التقاطی، عام و بی‌زمان است. در واقع، جهانی شدن فرهنگی موجب تغییرات بنیادین در نظام فرهنگی و شخصیتی و همچنین در روابط اجتماعی می‌شود (اون³، 2007: 71). به طور کلی، جهانی شدن فرهنگ، پیامد فرایند نوگرایی به شمار می‌آيد و یکی از ویژگی‌های اساسی این پدیده که پایه تحرک و پویایی آن به شمار می‌آيد، بازانديشی در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی است. بازانديشی با تولید دائمی خودشناسی منظم ارتباط مستقیم دارد. در جامعه مدرن، انسان‌ها به طور دائم هويتشان را خلق و تصحیح می‌کنند و چيستی و چگونگی دگرديسی‌شان را مدام مرور می‌نمایند (گيدنز، 1387: 17).

به باور گيدنز شیوه زندگی برای فرد در شرایط مابعد سنت اهمیت می‌یابد (گيدنز، 1387: 120). در شرایط جديد به دليل وجود گزینه‌های مختلف تحت اختیار افراد برای ساختن هويتشان مردم مجبورند که انتخاب کنند. همه انتخاب‌های افراد، تصمیم‌هایی هستند که آنها نه فقط درباره چگونگی عمل کردن بلکه درباره چگونه‌بودن خویش به مرحله اجرا می‌گذارند (گيدنز، 1387: 121). بر این اساس بر این باور هستيم که افراد در فرایند جهانی شدن فرهنگی با استفاده از منابع مختلفی که در اختیار دارند و عمده آنها توسط فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در اختیار افراد گذاشته می‌شود، دست به انتخاب می‌زنند. بر مبنای این رویکرد افراد

سطح فرد، بازانديشانه و تغییردهنده می‌شود (گيدنز، 1378). وی بازانديشی را ویژگی معرف هرگونه کنش انسانی می‌داند و معتقد است همه انسان‌ها با زمینه کنش خود در تماس هستند. کنش انسانی نه مجموعه‌ای از تعامل‌ها، بلکه جریان مداومی است (گيدنز، 1377: 45). گيدنز بازانديشی در مورد خود را فرآیندی مداوم و فراگیر می‌داند که طی آن، فرد در فواصل زمانی منظم، برحسب اتفاقی که افتاده است به نوعی بازپرسی از خود می‌پردازد (گيدنز، 1378: 113). از دیدگاه گيدنز، بازانديشی خود وارد محدوده بدن نیز می‌شود و با این رویکرد، بدن دیگر شی منفعلی تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از یک نظام کنشی است. فاعل و سوژه، به‌طور مرتب بر فرآیندهای جسمی خود نظارت دارند و آگاهی از چگونگی بدن، برای دریافتن تمام عیار هر لحظه از زندگی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود (گيدنز، 1378: 114). او به بازانديشی در حوزه سنت‌ها، عرف، بدن و شیوه‌های درمان می‌پردازد و تحولات در این کانون را معطوف به آینده و تحولات آتی می‌داند (گيدنز، 1378: 113). ظرفیت اجتماعی ایجاد شده برای بازانديشی به ما اجازه می‌دهد که به عقب برگردیم و خودمان را دوباره در نظر آورده و درباره خودمان بازانديشی کنیم (کراسلی¹، 2005: 2).

گسترش شبکه‌ها پست الکترونیکی و اینترنت بر دگرگون شدن دیدگاه‌های و ارزش‌های افراد اثر گذاشته‌اند. تعامل بین جهانی شدن فرهنگی و جهانی شدن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی موجب تحول در ارکان فرهنگی جوامع و بازانديشی در آنها توسط اعضای جوامع مختلف شده است. بسیاری از ایده‌های جهانی همچون برابری، حقوق بشر، سوسیالیسم، دموکراسی و مانند آنها از این طریق وارد جوامع گوناگون می‌شوند این بازانديشی موجب تحول در ابعاد هويت اجتماعی مردم گردیده است به نحوی که افراد به بازسازی هويت خویش (به‌طریق بازانديشانه) دست‌زده و هويت سنتی آنها به فراخور تأثیرات جریانات جهانی شدن و میزان نفوذ در جوامع مختلف دگرگون گشته است. امروزه ما

² Hongladarom

³ Owen

¹ crossley

برای پژوهش حاضر دارد، تجربه باواسطه است. این پدیده البته منحصر به دوران مدرن نیست، اما در دنیای مدرن، در پناه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی صورت تازه‌ای به خود گرفته است. هر چند هر نوع تجربه بشری، در عمل از طریق اجتماعی شدن و بخصوص از طریق زبان گفتاری، باواسطه است، در عصر مدرن، توسعه و ایجاد رسانه‌های ارتباط جمعی نقشی بسیار مهم در تحول روابط زمانی- مکانی و افزایش گسترده تجربیات با واسطه انسان‌ها ایفا می‌کند. گیدنز تجربه باواسطه را درگیری تأثیرات زمانی- فضایی دوردست با تجربیات حسی آدمی تعریف می‌کند. از نظر وی، یکی از مختصات عمده و عوارض افزایش تجربیات با واسطه بی‌شمار در عصر جدید، ورود سرزده یا ناخواسته رویدادهای دوردست به دنیای ذهنی و فکری هر روزه مردم است. بدیهی است که این امر به مدد وسایل ارتباط جمعی روی می‌دهد (گیدنز، 1380). و این وسایل ارتباط جمعی باعث می‌شوند که شخص زندگی‌اش را دربردارنده تأمل و بازاندیشی در عرصه‌های مختلف قرار بدهد.

در یک جمع‌بندی کلی از نظریه‌های بالا، می‌توان گفت که منظور از بازاندیشی، ترکیب اندیشه و کنش است، به نحوی که ضمانت سنت و عرف را در پی نداشته باشد؛ یعنی بازاندیشی از نوع دوره مدرن مورد نظر گیدنز، با شرایطی که تحت آن، تردید و تجدید نظر پایدار در زندگی اجتماعی حاصل می‌شود. این شرایط عبارتند از: منابع و بسترهای تازه؛ از قبیل رسانه‌های جهانی، فضای مجازی، فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و دانش‌های جدید. این منابع و بسترها باعث تکرار مراجع و زمینه‌های عمل می‌شود و در نتیجه بازاندیشی را در پی می‌آورند. در واقع، آنچه گیدنز و برگر در بحث از بازاندیشی به آن اشاره دارند، فضاها و بسترهای جدید مدرنی است که انسان عصر جدید با قرار گرفتن در آن، اقدام به تأمل و بازاندیشی می‌کند. بر این اساس، می‌توان پیش‌بینی کرد که هر چه افراد بیشتر در معرض حاملان مدرنیته قرار گیرند، بیشتر به بازاندیشی می‌پردازند. همچنین متغیرهای زمینه‌ای (جنس، تحصیلات و درآمد) با توجه به تحقیقات

در تعامل پویا با نظام جهانی، رفتار خود را به‌طور بازاندیشانه تنظیم می‌کنند (خواجهنوری و مقدس، 1388: 9). مدرنیته از نظر گیدنز سبب می‌شود که افراد هر چه بیشتر از قید انتخاب‌هایی که سنت به طور معمول در اختیار آنها قرار می‌دهد، رها شوند و بدین ترتیب، فرد را رو در روی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به‌دلیل آنکه دارای کیفیت غیرشالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی در گزینش‌هایی که باید به عمل آورد، یاری دهد. در دنیای مدرن، منابع هم‌ارز دیگری برای تفسیر کنش در دسترس افراد قرار دارد و همین امر تنوع گزینه‌ها را زیاد کرده است (گیدنز، 1378: 119). علاوه بر این همان‌طور که هویت فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی قرار می‌گیرد رابطه فرد با دین نیز دستخوش تغییراتی می‌شود. به‌عبارت دیگر همراه با فردگرایی، دین نیز به موضوعی انتخابی و بازاندیشانه تبدیل می‌شود.

گیدنز می‌گوید مشکل جهانی شدن یا تجدد جهانی شده با این یا آن ویژگی خاص نیست بلکه ماهیت «بازاندیشانه» تجدد آن را در تعارض با کل سنت قرار می‌دهد که به‌صورت تاریخی و در چارچوب وابستگی با مرزهای هویتی، زمینه‌های فرهنگی و موقعیت‌های محلی ساخته می‌شود (گیدنز، 1994: 82-79). از نظر او بیشتر موقعیت‌های زندگی مدرن، با دین به‌صورت نفوذ حاکم بر زندگی روزانه، سازگاری ندارند. بخشی از این واقعیت به دانش بازاندیشانه سازمان داده شده و تحت تسلط مشاهده‌های تجربی و اندیشه منطقی برمی‌گردد. این دانش مبتنی بر فناوری‌های مادی و اصول اجتماعی است. دین و سنت همیشه داری پیوند نزدیک با یکدیگر بوده و بازاندیشی زندگی مدرن که مغایرت مستقیم با سنت دارد، سنت را بیشتر از دین تضعیف کرده است (گیدنز، 1377: 130). می‌توان گفت که مسؤلیت برساختن هویت شخصی به خود فرد واگذار شده و فرد باید در جریان زندگی روزمره آن را برساخته و به طور دائم مورد بازاندیشی قرار دهد. یکی از پدیده‌هایی که جایگاه کانونی در نظریه گیدنز و اهمیت اساسی

¹ Giddens

تا نظر خود را اعلام کنند. جهت اطمینان از پایایی³ طیف‌های موجود در پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول 1- ضریب آلفای کرونباخ متغیرها و تعداد گویه‌های هر متغیر

متغیر	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
بازاندیشی	6	0/78
جهانی‌شدن فرهنگی	8	0/72
دینداری	9	0/89

نتایج جدول 1 نشان می‌دهد که مقدار آلفای کرونباخ بین متغیرهای تحقیق بالاتر از 0/07 می‌باشد که نشان دهنده همبستگی درونی بالا بین گویه‌های تحقیق می‌باشد.

تعریف متغیرها

بازاندیشی: بازاندیشی دربردارنده تأمل و بازاندیشی در عرصه‌های مختلف زندگی، نگاهی نقادانه به الگوهای رفتاری و حیطه‌های گوناگون زندگی روزمره است (عدلی‌پور و همکاران، 1392: 114). همچنین بازاندیشی را می‌توان به توانایی افراد برای تأمل انتقادی بر روی خود و شرایط موجود و همچنین امکان تغییر دادن هویت خود براساس اطلاعات جهان پیرامون تعریف کرد. برای عملیاتی کردن این متغیر 6 گویه در قالب طیف لیکرت طراحی شد. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای و پرسشنامه محقق ساخته بود که در جدول 2 گویه‌ها آمده است.

جهان گرایی فرهنگی: جهانی‌شدن فرهنگی معطوف به فرآیند فرسایش و نفوذپذیری حدو مرزها و همگون‌ترشدن جهان به دلیل گسترش فرآیند فرهنگ یا عناصر فرهنگی معین است (فرانکوآس⁴، 2007: 3). در نتیجه این فرآیند و متأثر از آن نظام‌های معنایی در مقیاسی وسیع از فرهنگی به فرهنگ دیگر

پیشین تحقیق انتخاب شدند. در بررسی رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و بازاندیشی از نظریه هونگلادارم (2002) استفاده شده است. جهانی‌شدن فرهنگی از طریق گسترش وسایل ارتباط جمعی و سبک‌های متفاوت زندگی، رفتارهای افراد را تغییر داده و افراد پیوسته بر اثر نفوذ چنین پدیده‌هایی از "خود" تعریفی مجدد ارائه می‌کنند و حتی آن را تغییر می‌دهند. پیشرفت‌های وسایل ارتباط جمعی افراد را به طور مداوم با امکانات و موقعیت‌های جدیدی مواجه می‌کند که در نهایت به تغییر در افق زندگی آنها منجر شده و دامنه و محدوده تعاملات اجتماعی آنها را دگرگون می‌کند.

فرضیات

بین میزان بازاندیشی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.
بین سطح تحصیلات و بازاندیشی رابطه وجود دارد.
بین سطح درآمد خانواده و بازاندیشی رابطه وجود دارد.
بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و بازاندیشی رابطه وجود دارد.
بین میزان دینداری و بازاندیشی رابطه وجود دارد.
بین جهانی‌شدن فرهنگی و بازاندیشی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد کمی و شیوه پیمایشی اجرا شده است. جامعه آماری شامل جوانان 15 تا 29 سال شهر یزد است که بر اساس فرمول کوکران 384 نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شد. نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. داده‌های مورد نیاز در این مطالعه به کمک پرسشنامه گردآوری شد. روایی¹ ابزار سنجش از نوع صوری² مورد ارزیابی قرار گرفت؛ در روایی صوری گویه‌ها و طیف‌های به کار گرفته شده در پرسشنامه در اختیار تعدادی از جامعه‌شناسان و کارشناسان قرار گرفت و از آنان خواسته شد

³ Reliability
⁴ Franko Aas

¹ Validity
² Face validity

میزان دینداری از 9 گویه استفاده شد، که در قالب طیف لیکرت نمره‌گذاری و سطح سنجش آن فاصله‌ای بوده که پرسشنامه این متغیر نیز محقق ساخته می‌باشد و بعد اعتقادی و پیامدی دینداری بیشتر مورد نظر بوده است.

وسایل ارتباط جمعی: برای سنجش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی سؤال‌هایی درباره میزان استفاده از تلویزیون، ماهواره، اینترنت، رادیو و مطبوعات پرسیده شد. سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد.

انتقال می‌یابد و ساختار و آرایش فضای فرهنگی جهان بسیار پیچیده‌تر می‌شود (قربانی‌شیرنشین، 1382: 190). برای عملیاتی کردن این متغیر از هشت گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شد که سطح سنجش این متغیر فاصله‌ای، و پرسشنامه این متغیر نیز محقق ساخته می‌باشد، که در جدول 2 گویه‌های این متغیر آمده است.

دینداری: عبارت است از پذیرش عقاید و احکام دینی به گونه‌ای که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت‌یغمایی، 1380: 190). برای سنجش

جدول 2- گویه‌های متغیر جهان‌گرایی فرهنگی و بازانديشي

گويه‌های بازانديشي	گويه‌های جهان‌گرایی فرهنگی
من این آزادی را دارم که بدن خود را با اعمال جراحی به شکل دلخواه درآورم.	علاقه مند به عضویت انجمن‌های جهانی مدافع محیط زیست و صلح جهانی درآیم.
من می‌توانم از پیشرفت‌های پزشکی برای تغییر ظاهر خود استفاده کنم.	باید با تبلیغات رسانه‌های غربی مقابله کنیم.
دوست دارم خودم سرنوشت و صفات خودم را تعیین کنم.	مسائل ایران مرتبط با مسائل دنیا است.
با توجه به اطلاعاتی که از اینترنت می‌گیرم عملکردهایم را تنظیم می‌کنم.	عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی منافع فراوانی برای کشورمان در پی دارد.
انتخاب‌های امروزم با توجه به تحولات آینده است.	موسیقی‌ها و ترانه‌های سایر کشورها و ملل را گوش می‌کنم.
آن چیزی که برای من مهم است تجربه شخصی است، نه چیزی که جامعه و سنت به من بگویند.	من مایلیم برای یک موقعیت کاری به یک کشور دیگر، نقل مکان کنم.
	دولت مردان باید زمینه سرمایه‌گذاری خارجی در کشورمان را فراهم بیاورند.
	فیلم‌های هالیوودی و غربی تضادی با ارزش‌های جامعه ما ندارند.

یافته‌ها

فوق‌دیپلم، 135 نفر (35/2 درصد) لیسانس و 68 نفر (17/7) درصد از پاسخگویان فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. نتایج جدول 3 نشان می‌دهد، که 24 نفر (6/2) از پاسخگویان دارای بازانديشي پایین، 280 نفر (72/9٪) از پاسخگویان دارای بازانديشي متوسط و 80 نفر (20/8٪) از پاسخگویان دارای بازانديشي بالایی بودند. همچنین نتایج جدول 1 نشان می‌دهد که میانگین بازانديشي پاسخگویان 19/16 می‌باشد، که این مقدار از میانگین مورد انتظار مقیاس که برابر با 15 می‌باشد، بالاتر است.

از مجموع پاسخگویان، 200 نفر (52/1 درصد) را مردان و 184 (47/9 درصد) را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان 22/7 سال، محدوده سنی بین 15-29 سال بوده که 21/6 درصد از آنها، در گروه سنی 15-19 سال، 43/2 درصد از آنها در گروه سنی 20-24 و 35/2 درصد در گروه سنی 25-29 بودند. از مجموع 384 پاسخگو، 76/8 درصد مجرد و 23/2 درصد از آنها متأهل بودند. میزان تحصیلات پاسخگویان بدین شرح بوده است: 58 نفر (15/1 درصد) سیکل، 72 نفر (18/8 درصد) دیپلم، 51 نفر (13/3 درصد)

جدول 3- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب بازانديشی

بازانديشی	فراوانی	درصد فراوانی	میانگین
کم	24	6/2	
متوسط	280	72/9	19/16
بالا	80	20/8	

فرضیه اول: بین بازانديشی زنان و مردان تفاوت وجود دارد.
اطلاعات جدول 4 نشان می‌دهد که بین زنان و مردان در میزان بازانديشی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، لذا فرضیه فوق تأیید نمی‌شود.

جدول 4- آزمون تی برای مقایسه میانگین بازانديشی به تفکیک جنس

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
جنس	مرد	200	19/46	3/93	1/508	382	0/132
	زن	184	18/85	3/94			

فرضیه دوم: بین سطح تحصیلات و میزان بازانديشی رابطه وجود دارد.
نتایج جدول 5 نشان می‌دهد که بین تحصیلات و بازانديشی پاسخگویان رابطه معنی‌داری وجود دارد و میانگین بازانديشی پاسخگویانی که تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر دارند از باقی گروه‌ها بیشتر است. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: بین سطح درآمد خانواده و بازانديشی رابطه وجود دارد.
جدول 5 به بررسی رابطه بین میزان درآمد و بازانديشی پاسخگویان می‌پردازد. نتایج جدول نشان می‌دهد که این فرضیه در سطح معنی‌داری 99 درصد تأیید می‌شود.

جدول 5- آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین بازانديشی بر حسب تحصیلات و درآمد

متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	سطح معنی‌داری
بازانديشی و تحصیلات	سیکل	58	17/70	3/30	4/281	0/002
	دیپلم	72	18/40	4/03		
	فوق دیپلم	51	19/43	4/51		
	لیسانس	135	19/64	3/76		
	فوق لیسانس و بالاتر	68	20/08	3/88		
بازانديشی و درآمد خانواده	زیر 500 تومان	53	18/98	4/33	4/891	0/001
	بین 501 تا 750	93	18/26	3/58		
	بین 751 تا یک میلیون	89	18/80	3/75		
	بین یک میلیون تا یک میلیون و پانصد	81	19/27	3/36		
	بالاتر از یک میلیون و پانصد	68	20/89	4/50		

میزان دینداری پاسخگویان بیشتر شود، از بازاندیشی آنها کمتر می‌شود. معنی‌داری این رابطه در سطح 99 درصد می‌باشد و مقدار پیرسون آن برابر با $-0/266$ می‌باشد. لذا فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ششم: بین جهان‌گرایی فرهنگی و بازاندیشی رابطه وجود دارد.

نتایج جدول 6 نشان می‌دهد که بین جهان‌گرایی فرهنگی و بازاندیشی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد، تفسیر آن بدین گونه می‌باشد که هرچه میزان جهانی‌گرایی فرهنگی پاسخگویان بیشتر باشد، میزان بازاندیشی آنها نیز بیشتر می‌شود. لذا با توجه به نتایج تحقیق فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و بازاندیشی رابطه وجود دارد.

نتایج جدول 6 نشان می‌دهد که بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و بازاندیشی پاسخگویان رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد و هر چه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در بین پاسخگویان بیشتر شود، میزان بازاندیشی آنها نیز بیشتر می‌شود. لذا با توجه به جدول می‌توان گفت فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه پنجم: بین دینداری و بازاندیشی رابطه وجود دارد. نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین دینداری و بازاندیشی رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد، یعنی هر چه

جدول 6- ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	وسایل ارتباط جمعی	دینداری	جهان‌گرایی فرهنگی
دینداری	$-0/148^{**}$		
جهان‌گرایی فرهنگی	$0/210^{**}$	$-0/295^{**}$	
بازاندیشی	$0/138^{**}$	$-0/266^{**}$	$0/352^{**}$

** رابطه در سطح 99 درصد معنادار است.

بازاندیشی دارد، دینداری می‌باشد، با وارد کردن این متغیر به معادله رگرسیون مقدار R^2 به $0/153$ رسیده است، مقدار بتای دینداری ($-0/177$) بیانگر این می‌باشد که با افزایش یک واحد به سطح دینداری افراد، به مقدار ($-0/177$) از بازاندیشی افراد کمتر می‌شود. بنابراین این متغیرها قادر به تبیین بیش از $0/17$ از واریانس بازاندیشی می‌باشد.

به منظور بررسی میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر بازاندیشی از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد. چنانکه در جدول 7 آمده است، در بین متغیرهای مستقل، متغیر جهان‌گرایی فرهنگی بیشترین همبستگی را با بازاندیشی دارد. این متغیر به تنهایی قادر به تبیین بیش از $0/12$ از واریانس بازاندیشی می‌باشد، متغیر بعدی که بیشترین همبستگی را با

جدول 7- تبیین متغیر بازاندیشی بر اساس متغیرهای مستقل

مرحله	متغیر	Beta	B	T	Sig	R	R ²
1	جهان‌گرایی فرهنگی	$0/300$	$0/248$	$6/080$	$0/000$	$0/352$	$0/124$
2	دینداری	$-0/177$	$-0/106$	$-3/594$	$0/000$	$0/391$	$0/173$

نتیجه

جامعه ایران، جامعه‌ای به شدت در حال تغییر و در حال تجربه دگرگونی‌هایی عمیق و شتابان در عرصه‌های مختلف است. در اثر این دگرگونی‌ها که با تحولات فرهنگی و ساختاری جاری در سطح جهانی نیز همراه شده، زیست جهان اجتماعی جوانان متکثر شده و در نتیجه ارزش‌ها و نگرش‌های جدیدی در میان آنها شکل گرفته است. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری و رشد گونه خاصی از هویت شخصی است که مشخصه مداوم آن بازننگری و بازانديشی مداوم آنها در کیستی و خویشتن خویش است. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت بازانديشی و متغیرهای مرتبط با آن در میان جوانان انجام شد. نتایج نشان داد که میزان بازانديشی جوانان مورد مطالعه بیش از سطح متوسط قرار دارد.

نتایج بررسی فرضیه‌ها نشان داد تفاوت معناداری بین زنان و مردان در میزان بازانديشی وجود ندارند. نتایج این یافته با نتایج تحقیق بوستانی (1390)، عدلی‌پور و همکاران (1392) که بحث از تفاوت بین این دو جنس کرده‌اند، ناهمسو است. تحصیلات نیز در رابطه با بازانديشی متغیر مهمی است و شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین منابع بازانديشی در جوامع جدید بشمار می‌آید. جوانانی که تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر دارند، از بازانديشی بیشتری در کنش‌های روزمره استفاده می‌کنند، نتیجه این یافته با نتایج تحقیق شالچی (1384) و فرهمند و همکاران (1393) همسو می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه سوم نشان داد میانگین بازانديشی خانواده‌هایی که درآمد بالاتری دارند، بیشتر است. نتایج این یافته، با یافته‌های تحقیق فرهمند و همکاران (1393)، بوستانی (1390) ناهمسو می‌باشد. نتایج نشان داد که هر چه افراد از وسایل ارتباط جمعی بیشتر استفاده کنند، بازانديشی آنها در مورد خود و دنیای پیرامون خود نیز بیشتر می‌شود. نتایج این یافته با نتایج تحقیق ذکایی و خطیبی (1385)، بوستانی (1390) و شالچی (1384) همسو می‌باشد. استفاده

از وسایل ارتباط جمعی باعث هر چه نزدیک‌تر شدن انسان‌ها و جوامع به یکدیگر می‌شود و آنچه در پی دارد تأمل بیشتر در مورد عناصر فرهنگی سایر جوامع است. آن‌گونه که برخی معتقدند، فناوری‌های ارتباط جمعی همچون سوپرمارکتی عمل می‌کند که در این فضا کنشگران در معرض کالاهای فرهنگی سایر نقاط جهان قرار می‌گیرند و در مورد آن تعمق می‌کنند. گیدنز (1377) و برگر (1381) نیز با تأکید بر اطلاعات، به نقش این پدیده در تجدیدنظر اساسی در عرف و سنت‌ها اشاره می‌کند. همچنین از دید کاستلز رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی اصلی‌ترین عنصر جامعه شبکه‌ای بوده و با انتشار اخبار و اطلاعات نقش مهمی در تغییرات اجتماعی و فرهنگی و دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها و بر ساختن معانی ایفا می‌کنند. فرضیه بعدی تحقیق به رابطه بین دینداری بازانديشی پرداخت. بر اساس نتایج هر چه میزان دینداری پاسخگویان بیشتر شود، از بازانديشی آنها کمتر می‌شود. در واقع افراد دیندار الگوی دین را مبنای رفتار خود قرار داده و از تغییر دادن این الگو در شرایط متفاوت خودداری می‌کنند. نتایج این یافته با نتایج تحقیق بوستانی (1390) همسو است. در نظر برگر دین عملی انسانی است که عالمی مقدس را برای بشر بنا نهاده است و در بخش بزرگی از این تاریخ، در ایجاد چتری فراگیر از نمادها برای یکپارچگی جامعه، نقش اساسی برعهده داشته است. معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می‌داد، یکپارچه می‌شدند. در واقع دین به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری پدیدار می‌گشت که احساس بودن در کاشانه، یعنی جهان هستی را برای انسان ممکن می‌ساخت. برگر همچنین ریشه یکپارچگی جهان زیست در جوامع ما قبل مدرن را در دین و نظم دینی می‌داند (برگر و دیگران، 1381). کاهش یکپارچگی جهان زیست و تکثر آنها با تقلیل نظم دینی و به عبارتی تضعیف هویت دینی همراه است. یافته دیگری تحقیق نشان داد که بین جهانی

دین‌داری»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش 3(9)، ص 101-125.

برگر، پ.، ال. ب. و هاستفرید، ک. (1381). *ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی*، ترجمه: محمد ساوجی، تهران: نی.

برگر، پ. و لوکمان، ت. (1375). *ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

بوستانی، د. (1390). «جوانان و هویت بازاندیشانه مطالعه دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، دوره پنجم، ش 1، ص 43-71.

تامیلسون، ج. (1381). *جهانی‌شدن و فرهنگ*، ترجمه: محسن حکیمی، تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.

جلائلی‌پور، ح. و گرامیان، ن. (1390). «نگاهی به مدرنیته در ایران از دریچه روابط شخصی؛ ارزیابی مفهوم رابطه ناب گیدنز»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره یک، ص 52-91.

حشمت‌یغمایی، م. (1380). *دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.

خواجانه‌نوری، ب. و مقدس، ع. (1388). «رابطه بین تصور از بدن و فرآیند جهانی‌شدن، مطالعه موردی: زنان شهرهای تهران، شیراز و استهبان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره پیاپی (33)، ش 1، ص 1-24.

خواجانه‌نوری، ب. دل‌آور، م. (1391). «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر در بین جوانان شهر شیراز با تأکید بر جهانی‌شدن»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و سوم، شماره پیاپی (46)، شماره دوم، ص 41-64.

شدن فرهنگی و بازاندیشی رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق فرهمند و همکاران (1393) هم‌خوانی دارد. پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی به‌عنوان مهم‌ترین منبع تجربه باواسطه در فرآیند هویت‌یابی، تأثیر عظیم بر هویت شخصی و همچنین، بر ساختارهای روابط اجتماعی به‌جای گذاشته‌اند. جهانی‌شدن فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی سبب شده است تا مردم در مناطق گوناگون از شیوه‌های زندگی، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری سایر مناطق جهان آگاه شوند. این امر می‌تواند به دگرگونی و یا تقویت شیوه‌های زندگی، ارزش‌ها و هنجارها و همچنین بازاندیشی در زندگی روزمره بینجامد. به‌طور کلی در فرآیند جهانی‌شدن فرهنگی، برخی از الگوهای رفتاری از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نوین از فرهنگی به فرهنگ‌های دیگر گسترش یافته و این امر موجب شکل‌گرفتن سبک‌های جدیدی از زندگی شده است. حاصل این فرآیند، به‌وجود آمدن هویت‌های جدید در میان جوانان که با توجه به ویژگی‌های سنی، کنجکاوی، تنوع‌خواهی و نوگرایی بیشتر آنها نسبت به دیگر گروه‌های جامعه این گروه را در مسیر و روند جهانی‌شدن فرهنگی قرار می‌دهد و از آنجایی که ویژگی بازاندیشی در آنها آشکارتر از گروه‌های سنی دیگر است، بسیار آماده‌اند تا روند جهانی‌شدن را در بستر جامعه آسان کنند و هم‌گام با آن، زندگی اجتماعی و کنش‌های خود را مورد بازاندیشی قرار دهند. هر چند باید بیان کرد که این نوع بازاندیشی در کنش‌های جوانان گاهی با ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه هم‌خوانی ندارد.

منابع

ادیبی، م.، یزدخواستی، ب. و فرهمند، م. (1387). «جهانی‌شدن اجتماعی جوانان شهر اصفهان»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال نهم، ش 3، ص 100-118.

اعظم‌آزاده، م. و توکلی، ع. (1386). «فردگرایی، جمع‌گرایی و

- گیدنز، آ. (1377). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (1380). *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- گیدنز، آ. (1387). *تجدد و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر توفیقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (1380). *معنای مدرنیته، گفتگو با آنتونی گیدنز*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: کویر.
- لاپتن، د. (1380). «بیم و مدرنیزاسیون تأملی»، برگردان: مریم رفعت‌جاء، *ارغنون*، ش 18، ص 293-316.
- Adams, M. (2006) "Hybridizing Habitus and Reflexivity: Towards an Understanding of Contemporary Identity?", *Sociology*, No. 40 (3), p 511-528.
- Beck, U. (1999) *World Risk Society*, Cambridge: Polity Press.
- Brooks, A. & Wee, L. (2008) "Reflexivity and Transformation of Gender Identity", *Sociology*, Vol. 42(3), p 503-521.
- Crossley, N (2005) "Mapping Reflexive Body Technique: on Body Modification and Maintenance", *Body & Society*, No. 11(1), p 1-35.
- Franko Aas, K. (2007) *Globalization and Crime*, London: SAGE Publications Ltd.
- Giddens, A. (1994) *Living in a post-traditional society*. In Beck, Giddens, and Lash (Eds). *Reflexive modernization: Politics, tradition, Aesthetics*. In the social order. Stanford, California: Stanford University press.
- Grasmuck, S. (2009) "Facebook & Identity". *Journal of Computer-Mediated Communication*. No. 15, p.158-188.
- Hall, S. (1996) *The Question of Cultural Identity in Hall and McGraw (Eds). Modernity and It's Future*. Cambridge: Polity.
- Hongladarom, S. (2002). "The Web of Time and the Dilemma of Globalization." *The Information Society*, No. 18, p 241-249.
- Kelley, F.L. (2007) *Face-time: The Construction of Identity on Facebook*. London: Wadsworth.
- Kim, K.J. (2003) *Minority and Majority Students Self Reflexivity in Educational Setting: Korean Born in Japan Student as Critical*
- ذکایی، م. و خطیبی، ف. (1385). «اینترنت و تغییرات هویتی پژوهشی در میان کاربران جوان حرفه‌ای»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره 2، ش 7، ص 165-203.
- رجبلو، ع. و اصغری، س. (1389). «جهانی‌شدن و بازانديشی الگوهای دوستی دختران و پسران: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران»، *مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان*، سال 8، ش 2، ص 73-92.
- دادگران، م؛ بیران، ص. و علی‌پور تبریزی‌نژاد، ز. (1390). «بررسی تأثیر اینترنت بر شکل‌گیری و رشد هویت بازانديشانه»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگ ارتباطات*، ش 3 (3)، ص 64-90.
- سیدمن، ا. (1391). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شالچی، س. (1384). *هویت بازانديشانه و رسانه‌ها، بررسی شکل‌گیری هویت بازانديشانه و ارتباط آن با رسانه‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی تهران.
- عدلی‌پور، ص؛ یزدخواستی، ب. و خاکسار، ف. (1392). «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و شکل‌گیری هویت بازانديشانه، در بین دانشجویان دانشگاه تبریز»، *فصلنامه پژوهش ارتباطی*، سال بیستم، ش 3، (پیاپی 75)، ص 101-128.
- فرهمنند، م؛ جواهرچیان، ن. و هاتفی‌راد، ل. (1393). «جهانی‌شدن فرهنگ و بازانديشی تعاملات جنسی (مورد مطالعه شهر یزد)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن*، دوره 5، ش 14، ص 175-204.
- قربانی شیخ‌نشین، ا. (1382). «نظام جهانی، جهانی‌شدن فرهنگ»، *نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش 9 و 10، ص 189-190.

- Change in a Cosmopolitan City”, *Sociology*, 42 (3), p 503- 521.
- Owen, T. (2007) “Culture of Crime Control”, *Quoted in Internet Journal of Criminology*, No. 3, p 1-13.
- Turner, J.H. (2003) *The Structure of Sociological Theory*. Belmont, CA: Wadsworth Publishing Company.
- Waters, M. (2001) *Globalization*. London: Routledge.
- Participants*, University of Arizona, Ph.D. Dissertation, Department of Language, Reading and Culture.
- Lash, S. and Urry, J. (1994) *Economies of Signs and Space*, London: Sage Press.
- Longman, L. (2003) "Culture, Identity and Hegemony: The Body in a Global Age", *Current Sociology*, Vol. 51, No.3-4, p 223–247.
- Luhman, N. (1995) “Systems Theory, Stanford, CA: Stanford University Press. The Potential for